



دکتر محسن صمدانیان

# توشه‌ای از قرآن

۱ - تفسیر قرآن، از آغاز نزول این کامل‌ترین کتاب آسمانی توسط پیامبر اسلام (ص) آغاز شد و پیامبر (ص) به حکم وظیفه الهی خود مبتین<sup>۱</sup> و الگوی عملی<sup>۲</sup> معارف و احکام الهی بود.

۲ - بر پایه اندیشه تشیع شیعیان این رسالت او در ادامه حیات اسلام و پس از رحلت آن حضرت به امام علی (ع) و سایر ائمه محول گشت. <sup>۳</sup> و آنان با گفتار و کردار خود یکایک به تبیین و تفسیر آیات پرداختند.

سکوت، خطابه، صلح، قیام، دعا، تدریس، مباحثه، مبارزه و زندان، ولایت عهدی، محصور شدن در مراکز نظامی و پیام‌های لحظه به لحظه زندگانی ائمه، همه و همه تفسیر کلام خدا و قرآن است.

۳ - از نگاه شیعه فهم معارف قرآن و تشریح آن، هر چند به طور کامل و بی نقص تنها در صلاحیت حاملان و اهل آن، که همان اهل بیت وحی علیهم السلام هستند، می باشد، لیکن این به معنی نفی فهم قرآن توسط دیگران نیست، در جای خود به دلائل نقلی (قرآن و سنت) و عقلی ثابت شده است که کلام الهی، یعنی معجزه جاودان و آیین حیات طیبه انسان‌ها، همواره و در هر زمان بایستی تفسیر شود.

۴ - عدم تفسیر کل قرآن توسط ائمه (ع) به عللی چون محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی، پایین بودن سطح علمی مردم و ... از سویی و از سوی دیگر از بین رفتن بسیاری از احادیث و نیز جعل و تدلیس فراوان می باشد.

۵ - سنگینی مطالب موجود در برخی احادیث<sup>۴</sup> و تحلیل و بررسی آنها و نیز تطبیق احادیث با قرآن، عالمان و مجتهدان و قرآن‌شناسانی را می‌طلبد که علاوه بر طی مدارج علمی و تحصیلی مقدمات لازم برای شرح و توضیح کلام خدا دارای ملکه تقوی و خلوص نیت بوده تا قلب و روح آنان آینه و تجلی‌گاه معانی عمیق وحی شود. تحصیلات علمی و علوم اکتسابی و مدرسه‌ای چون صرف و نحو و بلاغت و تاریخ، کلام، فقه و اصول و جز اینها که شرط لازم برای فهم و تفسیر کلام خداست کافی نیست. خداوند خود در قرآن می‌فرماید: «واتقوا الله و یعلمکم الله» (بقره، ۲۸۲). ترجمه علم و دانش حقیقی، همان نوری است که خداوند بر قلوب قابلان و متحملان می‌افکند.<sup>۵</sup>



۶- گذشت زمان و پیشرفت‌های علمی بشر در عرصه‌های مختلف ناچار گواهم با سؤالات و ابهامات زیاده است. مسلماً به همان اندازه که بشر امروزه اطلاعاتش توسعه پیدا کرده پرسش‌هایش نیز فزونی یافته و ذهنش در همه فضاها به پرواز درآمده است. سطح سؤالات کودکان امروز از بسیاری از بزرگسالان عصرهای گذشته بالاتر می‌باشد. برآیند سطح فرهنگ و دانش بشری همواره رو به فزونی بوده.

۷- این همان اراده الهی در حرکت جهان به سوی کمال است.

۸- هر چند دشمنان او و مبلغان جهالت و نادانی که پیام آوران شیطان هستند در این مسیر جولانی داشته و دارند لیکن «للباطل جوله و للحق بوله»<sup>۱۰</sup>

۹- اعتقاد ما بر کمال قرآن و دین اسلام، در بطن خود این پیام جا دارد که بایستی گروهی این وظیفه را به عهده گرفته<sup>۱۱</sup> و راه خدا و پیامبر و ائمه را ادامه دهند و با شرح و تبیین و تفسیر قرآن و سنت، پاسخگوی نیازهای فکری باشند.

۱۰- دانشمندان و دانش‌پژوهان دین‌شناس که وارثان پیامبران هستند<sup>۱۲</sup> عهده‌دار این مسؤلیت شده‌اند.

۱۱- فقهای بزرگ علی‌رغم تنگناها، تبیین بخشی از معارف را که در مورد وظایف عملی و احکام فرعی بوده و کمتر از یک‌دهم آیات قرآن است را بر عهده گرفته‌اند و اعمال و افعال مردم را در طول تاریخ با اجتهاد خود حفظ کرده‌اند.

برخی دیگر از دانشمندان اسلامی به سایر علوم دینی از جمله کلام و عرفان پرداخته، تألیفات خود را در آن علوم سامان داده‌اند و در حقیقت به تفسیر موضوعی از قرآن پرداخته‌اند.

عالمانی نیز به تبیین کل قرآن در قالب تفاسیر ترتیبی<sup>۱۳</sup> پرداختند و از آغاز قرآن - یا جزء و یا سوره‌ای - به ترتیب آیات آن تا انجام دست زدند، تفاسیری چون تبیان شیخ طوسی‌ره (م ۴۶۰ هـ.ق)، مجمع‌البیان طبرسی (ره) (م ۵۴۸ هـ.ق)، «روح‌الجنان و روح‌الجنان» مرحوم‌ابوالفتح رازی (م ۵۵۰ هـ.ق)<sup>۱۴</sup> و «الصافی» از فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ هـ.ق) از جامع‌ترین و معروفترین تفسیرهای گذشته شیعه است و در این زمان نیز عالمانی به صورت فردی ۱۱۱ یا جمعی به این کار اقدام نموده‌اند.<sup>۱۵</sup>

در این میان به شهادت همه کارشناسان و آگاهان پر محتواترین و کامل‌ترین تفسیر، تفسیر قیام ۱۳ «المیزان» است. به تعبیر علامه شهید «مرتضی مطهری» که خود بخشی از علوم خود را از سرچشمه المیزان «علامه سید محمد حسین طباطبائی» برگرفته بودند همه‌اش با علم نوشته نشد بلکه بخش‌هایی از آن با الهامات الهی تدوین شده است.<sup>۱۶</sup>

جامعیت المیزان و نکات بدیع و ابتکاری آن از نظر صاحب‌نظران، به شخصیت همه‌جانبه علمی مؤلف آن باز می‌گردد.



عامل دیگر باطن پاک و خلوص آن مرحوم بود، طی مقامات عرفانی و مطالعات و مدارسات فراوان فلسفی و عقلی همزمان و یا پس از گذران دروس رسمی حوزه، از قبیل ادبیات و اصول و فقه، و صرف نظر کردن از مقام افتاء و مرجعیت به جهت وجود مراجع تقلید معاصر او و تشخیص نیاز زمانه و راه صحیح حل مشکلات اعتقادی و اجتماعی که در پی ریزی اساسی استوار بر عقاید صحیح اسلامی و برگرفته از قرآن و سنت بر مبنایی عقلی و قابل احتجاج می باشد، از امتیازات حضرت علامه طباطبایی «قدس سره» است.

در المیزان از شرح مفردات و علوم ادبی و شأن نزولها و روایات تفسیری به خوبی و باروشی عقلی و اجتهادی در جهت تبیین مباحث آیات، با توجه به سایر آیات قرآنی استفاده شده است. مهارت علامه در فقه الحدیث که از پاورقی های ایشان بر برخی کتب حدیثی چون «بحار الانوار» برمی آید و نیرومندی استدلال و اندیشه ایشان، موجب استفاده و استصنائه ای حیرت انگیز از منابع اصلی تفسیر، یعنی قرآن و حدیث شده است.

استفاده از «المیزان» با توجه به برخی مباحث مشکل و استدلالی آن، نیاز به استاد و تدریس دارد و به جوانان توصیه می شود به مطالعه سطحی المیزان بسنده نکرده، بلکه با مطالعه عمیق آن زیر نظر اساتید قرآن پژوه و تفسیر پژوه بهره ای ژرف از آن برده و عاید قرآن دوستان و قرآن پژوهان کنند.



### ○ جرعه ای از زلال المیزان:

یکی از مباحث پر دامنه قرآن شناسی و تفسیری بحث مفسران عامه و شیعه پیرامون حرف «واو»<sup>۱۵</sup> در هفتمین آیه شریفه سوره آل عمران «و ما یعلم تأویله الا الله والراسخون فی العلم یقولون ...» همه مفسران سنی مذهب با استناد به دلایل ادبی، آن را «واو» استیناف دانسته و مفسران شیعه با تکیه بر روایات معصومین قائل به عاطفه بودن آن هستند. [ر.ک به التبیان، مجمع البیان، الصافی و ... از شیعه و الکشاف، التفسیر الکبیر، الدر المنثور و ... از عامه].



آنان در دل‌هایشان انحراف و ناراستی وجود دارد در هتک و تأویل و بازگرداندن و تغییر معنای ظاهری آن از متشابهات پیروی می‌کنند، حال آنکه تأویل قرآن را جز خدانمی‌داند و کسانی که در علم راسخ و ریشه‌دار هستند می‌گویند ما به آن «قرآن» ایمان داریم، همه آن از جانب خداست.»

علمای شیعه چون شیخ طوسی، شیخ طبرسی، ابو الفتح رازی، فیض کاشانی و... در تفاسیر خود با تکیه بر مباحث کلامیام‌شناسی در شیعه که امامان را وارثان به حق تمامی مقامات و مسندهای پیامبر(ص) به جز وحی می‌داند و نیز روایات خاصی که از ائمه

علیهم‌السلام در ذیل این آیه رسیده و خود را راسخان در علم معرفی کرده‌اند از جمله روایت «نحن الراسخون فی العلم» و یا روایاتی که دلالت بر دانستن تأویل قرآن توسط آنان رسیده‌است که «نحن نعلم تأویله»<sup>۱۶</sup> حرف «واو» را قبل از «الراسخون فی العلم» حرف عطف گرفته و جمله بعد از آن را جمله حالیه فرض کرده‌اند و بر این سخن تأکید نموده‌اند و رد آن را مساوی با انکار علم ائمه علیه‌السلام به تأویل قرآن دانسته‌اند و یا به تعبیر صحیح‌تر با توجه به اعتقاد به مقامات ائمه و علوم لدنی آنان و اینکه آنها تراجم وحی الهی هستند این آیه را در ردیف آیات مربوط به دانش ائمه دانسته‌اند، حال آنکه حضرت «علامه طباطبایی» ضمن اعتقاد به همه مقامات علمی ائمه(ع) که در جای خود ثابت است، به معرکه بین تفاسیر شیعه و عامه خاتمه داده‌اند بدین تقریر که «واو» را استیناف دانسته و چنین بیان داشته‌اند که: «این آیات در مقام تأیید ایمان گروهی است که در رأس آنان و مصداق کامل آن ائمه هستند و با خصیصه علم و دانش ریشه‌دار معرفی شده‌اند، آنان به قرآن به عنوان یک مجموعه معتقدند و در ایمان به قرآن تفکیکی بین آیات محکم و متشابه قابل نیستند.»

در قرآن آیات دیگری هست که علم و سایر امتیازات ائمه را اثبات می‌کند،<sup>۱۷</sup> نیز دلایل فراوان نقلی و عقلی بر امکان علم به تأویل قرآن در منابع اسلامی موجود است.

توضیح اینکه این آیه پس از تقسیم قرآن به دو بخش محکم و متشابه، مردم را در برخورد با متشابهات به دو دسته تقسیم کرده و ویژگی‌های آنان را برمی‌شمرد. گروه اول: «أما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه الراسخون فی العلم یقولون آمنا به کل من عند ربنا...»

«اما آنان که در دل خود انحراف دارند به دنبال فتنه و تأویل [تنها] از متشابهات تبعیت می‌کنند و آنان که دانش راسخ و ریشه‌دار دارند می‌گویند ما به قرآن ایمان داریم، همه‌اش از جانب اوست.» و این بهترین تعریف و تمجید از ائمه(ع) است.

به عبارت دیگر این موضوع در حقیقت به بحث تبعیض در ایمان «نؤمن ببعض و نکفر ببعض»<sup>۱۸</sup> (انبیاء، ۱۵۰) یا تقسیم قرآن «الذین جعلوا القرآن عضین»<sup>۱۹</sup> (حجر، ۹۱) و... اشاره دارد.

مؤمن به قرآن، کسی است که محکم و متشابه قرآن را باور دارد و برای فهم مشابهات از محکمت مدد می‌گیرد. البته این کار ساده‌ای نیست و از عهده هر کسی بر نمی‌آید، بازگرداندن و ارجاع متشابه به محکم و تأویل قرآن در درجه اول و به طور صحیح و کامل تنها شأن معصومین علیهم‌السلام است و دیگران نیز در پرتو استفاده از راه و روش آنان و در چارچوب‌های تعیین شده از سوی آنان می‌توانند از متشابهات فهم صحیح داشته باشند. تأویل محکم و متشابه قرآن تنها نزد خداست و ظرف ظهور آن قیامت است «یوم یأتی تأویله» (اعراف، ۵۳) اما این بدین معنی نیست که به کسی جز خودش علم تأویل را نداده و نمی‌دهد، بلکه همچون علم غیب - که تنها خدای عالم الغیب آن را می‌داند - هم او به هر کس و هر اندازه که بخواهد آن را می‌دهد «و لا اعلم الغیب»<sup>۲۰</sup> (انعام، ۵۰) و (هود، ۳۱).

خلاصه سخن آنکه از نظر علامه

- اولاً: رد عطف بودن «واو» در آیه مبارکه خللی به علم ائمه معصومین (ع) وارد نمی‌شود بلکه تمجیدی والاطر و ارزشمندتر از ایمان آنان که آیه در مقام بیان آن می‌باشد صورت گرفته است - ثانیاً علم مطلق به تأویل قرآن همچون علم غیب برای غیر خدا تا آنجا ممکن است که خدا بخواهد و روایات مذکور در بخش اول که مستند مفسرین شیعه است، دلالت بر این مطلب دارد.

منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- تفسیر المیزان، العلامة السید محمد حسین طباطبایی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، المجلد الثالث والرابع، بدون تاریخ
- ۳- مفتاح المیزان، علیرضا میرزا محمد، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۵۷ ش، تهران
- ۴- تفسیر الصافی، مولی محسن فیض کاشانی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات بی‌تا
- ۵- الکافی، ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ هـ.ش.



## چی نوشتہا:

- (۱) آیہ ۴۴ و ۶۴ سورہ نحل: ... و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس (۴۴)، و ما انزلنا علیک الکتاب الا لتبین لهم... (۶۴).
- (۲) آیہ ۲۱ سورہ احزاب: لقد کان رسول... اسوہ حسنہ.
- (۳) طبق روایات آنان همه شنون پیامبر به جز دریافت وحی را دارند و از جمله تراجم وحی الہی هستند (رک، زیارت جامعہ: «... و تراجمہ لوحیہ...».
- (۴) ان احادیث صعب مستصعب لا یدرکہ الا ملک مقرب أو بنی مرسل أو بنی مرسل أو عبد امتحن الله قلبه لل تقوی (تفسیر صافی، ج ۱، ص ۱۲، به نقل از امام محمد باقر) و نیز روایاتی که برای احادیث نیز محکم و متشابہ، ناسخ و منسوخ... قائل است.
- (۵) لیس العلم بکثرہ التعلّم و لکن العلم انما نور یقفہ الله فی قلب من یردان یهدیہ [بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۱۳۹، باب الیقین و الصبر علی الشداید] (۶)
- (۷) اشاره به ایہ «نفر» (توبہ) (۱۲۲) «لولا نفر من کل فرقة طائفہ لیتفقہوا فی الدین...».
- (۸) العلماء ورثہ الانبیاء [کافی، ج ۱، ص ۳۴، باب صفہ العلم و فضله].
- (۹) در یک تقسیم بندی تفاسیر به دو نوع ترتیبی و موضوعی تقسیم می شود.
- (۱۰) اغلب به اشتباه آن را «روض الجنان و روح الجنان» خوانده اند، اما نام صحیح و زیباتر آن «روح الجنان و روح الجنان» است یعنی رایحه های بهشتی و جان دل ها. این تفسیر اولین تفسیر کل قرآن به زبان فارسی در بین شیعه است و متن بسیار دل تشین و جالبی دارد و با پاورقی ها و تحقیقات آیہ... شعرانی (ره) به چاپ رسیده است.
- (۱۱) همچون مرحوم آیہ... طیب (اطیب البیان)، بانوی مجتہدہ امین (مخزن العرفان)، حجه الاسلام قرآنی (تفسیر نور) و آیہ... جوادی آملی (تفسیر تسنیم).
- (۱۲) همانند مجموعه ای از فضلا زیر نظر آیہ... مکارم (تفسیر نمونه) و جمعی از فضلا زیر نظر حجه الاسلام هاشمی رفسنجانی (تفسیر رہنما).
- (۱۳) تعبیر رایج آیہ... جوادی آملی در مورد این کتاب ارزشمند که در حقیقت اشاره به آیہ <فیها کتب قیمہ> است.
- (۱۴) مقدمه مفتاح میزان، ج ۱، ص ۴۱ و ۴۲. پژوهش گاہ علوم انسانی و مطابعات فرهنگی.
- (۱۵) واو: در زبان عربی دارای معانی مختلفی است: از جمله قسم، عطف، استیناف و حالیہ و... منظور از واو استیناف آن است که در آغاز کلام آمده و مطالب پس از آن از تباطی با مطالب قبل ندارد بلکه مطلب جدیدی شروع می شود، واو عطف: پیوند بین مطلب قبلی و مطلب بعد برقرار می کند و ماقبل و مابعد آن در حکم یا موضوع یکی است.
- (۱۶) رک به تفسیر نور الثقلین حویزی و البرهان بحرانی ذیل آیہ ۷ سورہ آل عمران. قال الصادق (ع): نحن الراسخون فی العلم ونحن نعلم تأویله [کافی، ج ۱، ص ۲۱۳، باب أن الراسخین فی العلم هم الائمة].
- (۱۷) از جمله آیہ ۸۳ سورہ نساء: ... لعلّمہ الذین یستنبطونہ منهم، و لا یمسہ الا المطہرون (احزاب، ۳۴).
- (۱۸) می گویند: به برخی از آیات قرآن ایمان داریم و به برخی کفر می ورزیم.
- (۱۹) کسانی که قرآن را بخش بخش کردند.
- (۲۰) پیامبر یگو: ... و غیب نیز نمی دانم.